

عنوان مقاله:

نگاهی به دو اصطلاح عرفانی «ظاهر» و «باطن» در آثار ناصر خسرو و عزیزالدین نسفی

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و فرهنگ ملل، دوره 4، شماره 8 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

منصوره احمدی جعفری - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صفادشت، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

رویکرد تاویلی یکی از اصول ادبیات عرفانی در فهم پدیده های انتزاعی است. «ظاهر» و «باطن» به عنوان دو اصل بنیادین در شرع و تصوف اهمیت بسیاری دارند. تاویل گرایی از شاخصه های اسماعیلیه است و ناصر خسرو، به عنوان مبلغ این مذهب، بر این مسئله تاکید دارد و شریعت و معارف دینی را داری ظاهر و باطن می داند. عزیزالدین نسفی نیز به عنوان عارف و صاحب نظری نوآور، آمیزه ای از فلسفه و شهود عرفانی را در امر تاویل به کار داشته است. مقاله حاضر بنا به اهمیت این دو اصطلاح و با هدف تبیین نگرش های متشعرانه و متصوفانه به «ظاهر» و «باطن» نزد ناصر خسرو و عزیزالدین نسفی نگاشته شده است و ضمن بررسی نمونه هایی از آثار این دو بیان می دارد باوجود اینکه نزد ناصر خسرو باطن به طریق اولی مقدم بر ظاهر است و نزد نسفی ظاهر و باطن بدون هم معنا ندارد و گاه ظاهر از آن جا که قالبی برای باطن است اهمیت بیشتری می یابد، طریقت و شریعت در ژرف ساخت عبور از ظاهر و رسیدن به باطن امور، شاه راهی هم سو برای هدایت انسان ها در نیل به حق هستند.

کلمات کلیدی:

عرفان، ظاهر، باطن، ناصر خسرو، عزیزالدین نسفی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1582249>

